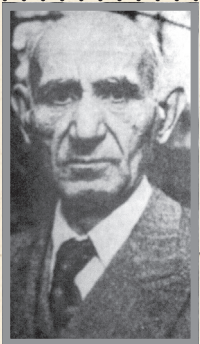


امپراطوری روسیه و منطقه جنوبی به عنوان حوزه نفوذ امپراطوری بریتانیای کبیر و منطقه میانی به عنوان منطقه بی طرف شناخته شد. منطقه شمالی اینگونه تعریف شده بود که از قصر شیرین در غرب، در مرز با امپراطوری عثمانی آغاز می شد و از طریق تهران، اصفهان و یزد تا مرز شرقی، جایی که مرزهای افغانستان، ایران و روسیه تلاقی می کنند، ادامه داشت. منطقه کوچکتر در جنوب شرقی ایران، که با هند انگلیسی هم مرز بود، به عنوان قلمرو انحصاری انگلیس شناخته شد. منطقه انگلیس از غرب تا کرمان و تابندرعباس در جنوب امتداد داشت. منطقه جداکننده این دو حوزه، از جمله بخشی از ایران مرکزی و کل جنوب غربی، به عنوان منطقه خنثی تعیین شد که در آن هر دو کشور و شهروندان شان می توانستند برای نفوذ و امتیازات تجاری قایت کنند.

این قرارداد در واقع استقلال و حق حاکمیت ایران را زیر سوال برده و بدون دخالت و اطلاع دولت ایران، کشور را به حوزه های نفوذ تقسیم کرده بود؛ هر چند دولت ایران در موقعیتی نبود که بتواند با این دو دولت قدرتمند درگیر شود اما دولت جوان مشروطه حاضر به پذیرش این قرارداد نشد.



روز بیست و هشتم سپتامبر ۱۹۰۷ برابر با ششم مهر ۱۲۸۶ شمسی، سرسسیل اسپرینگ رایس، وزیر مختار بریتانیا در تهران در پاسخ به دولت ایران شایعه ای را که از سه هفته قبل در تهران پیچیده بود، تأیید کرد. سر سسیل اسپرینگ رایس در این نامه بخشی از مقدمه قرارداد را که در آن ذکر شده بود: «از آن جایی که دولتین بریتانیای کبیر و روسیه متعهد شده اند تمامیت استقلال ایران را محترم شمرده و ذینفع در استقرار صلح و امنیت در بعضی از ایالات متصله و همسایه سرحد روسیه از طرفی و مجاور به سرحدات افغانستان و بلوچستان [در آن زمان منضم به خاک بریتانیا] از طرف دیگری می باشند و نظر به اینکه می خواهند از هر گونه موجبات اختلاف و کشمکش که ممکن است در منافع طرفین در ایالات مذکوره ایران بروز نماید اجتناب کنند...» مطرح کرد اما آنچه موجب اعتراض ایران شد سه ماده بعدی قرارداد بود که مقرر می داشت خاک ایران به سه منطقه تقسیم شود: شمال ایران تا حدود قزوین منطقه نفوذ روسیه باشد و بریتانیا با هرنوع امتیازخواهی روس هادر آن منطقه مخالفتی نکند و خود هم هیچ امتیازی در آنجا نخواهد و در مقابل، روس ها همین حق را در مورد منطقه جنوبی برای بریتانیا به رسمیت بشناسند و در ضمن برای اینکه مبدا موجب اختلاف بین شان پدید آید، بین این دو منطقه هم بخشی را بی طرف برگزینند.

بر اساس این قرارداد ایران اختیار و گذاری امتیاز در مناطق نفوذ این دو قدرت به کشور دیگری را نداشت و انگلیس و روسیه نیز از پذیرش و تلاش برای دستیابی به امتیازی در حوزه های نفوذ دیگری امتناع می کردند. میرزا حسن مشیرالدوله در پاسخ به انعقاد این قرارداد پاسخ مستدل و محکمی مبتنی بر حقوق بین الملل که در آن تبحر داشت خطاب به دو دولت روسیه و بریتانیا صادر کرد که در میان مشروطه خواهان انعکاس گسترده ای یافت و موجب شهرت مشیرالدوله شد. مجلس شورای ملی نیز پاسخ تندی در واکنش به این قرارداد ارائه کرد. مهدی ملک زاده، فرزند ملک المتکلمین از رجال آزادی خواه دوره مشروطه در باره انعکاس قرارداد ۱۹۰۷ در ایران چنین می نویسد: «دولت ایران به وسیله وزارت خارجه و حسن پیرنیا، مشیرالدوله، که در آن زمان سفیر ایران در دربار روسیه بود، به این معاهده اعتراض کرد و مجلس شورای ملی عدم رسمیت این معاهده را که برخلاف حق و عدالت و استقلال ایران بود، اعلام نمود ولی کسی به این اعتراضات جوابی نداد.»

شاید همین استواری مشیرالدوله بود که او را در کمتر از یک ماه به مقام وزارت امور خارجه رساند تا بتواند از اجرای عملی این قرارداد جلوگیری کند. با این وجود در عمل مواد این قرارداد اجرا می شد و در زمان جنگ جهانی اول نیز به بهانه جنگ با عثمانی، مناطقی از ایران مدتی به اشغال روسیه و بریتانیا درآمد. روس ها تا زمان انقلاب اکتبر بر حفظ منافع به دست آمده شان از این قرارداد، اصرار داشتند. پس از انقلاب اکتبر و با فرمان لنین مبنی بر لغو کلیه قراردادهای استعماری میان ایران و روسیه در ۲۷ دی ۱۲۹۶ خورشیدی این قرارداد عملاً ملغی شد و عرصه برای نفوذ بریتانیا خالی شد. مشیرالدوله که در نخستین تجربه خود به عنوان وزیر بر چنین بحرانی روبرو شد، به سختی تلاش کرد تا از استقلال و حق حاکمیت ایران دفاع کند و جلوی مداخلات روسیه و انگلیس بایستد اما دوران وزارت امور خارجه او کوتاه بود و کمتر از یک سال به طول نیانجامید. اما سرنوشت مشیرالدوله با استقلال و حق حاکمیت ایران گره خورده بود.

رئیس الوزرای ایران اشغال شده

مشیرالدوله پس از وزارت امور خارجه متوالی و وزارتخانه های دیگر در دولت مشروطه شد و همچنین به نمایندگی مردم تهران وارد مجلس شورای ملی شد تا اینکه در ۲۶ اسفند ۱۲۹۲ از سوی احمدشاه قاجار به عنوان رئیس الوزرا به مجلس شورای ملی معرفی شده بود. در این تاریخ تنها شش ماه از آغاز جنگ جهانی اول گذشته بود و ایران گرفتار میان قدرت های درگیر و نگران از نقض حاکمیتش بود، دولت و قوای نظامی ایران از توان مقابله با قدرت های خارجی در صورت تجاوز به ایران بر خوردار نبودند و ایران با دو قدرت درگیر در جنگ یعنی روسیه تزاری و امپراطوری عثمانی هم مرز بود و بریتانیا نیز به عنوان دیگر قدرت درگیر در جنگ در آب های جنوب و در جنوب شرقی از طریق بلوچستان با ایران همسایه بود. روسیه و بریتانیا به بهانه احتمال اشغال ایران توسط عثمانی و حرکت به سوی هند بریتانیایی و همچنین حمله به روسیه در جهه قفقاز بخش هایی از ایران را به اشغال خود درآورده بودند. در چنین شرایطی میرزا حسن خان مشیرالدوله، مامور تشکیل دولت شد و اولویت خود را در سیاست خارجی، حفظ بی طرفی و استقلال ایران اعلام کرد. او با اتخاذ تصمیماتی در زمینه کوتاه کردن دست

انگلیس و روسیه از دخالت در امور داخلی ایران موجب نارضایتی این دو دولت شد اما از حمایت مطبوعات و آزادیخواهان برخوردار شد. مشیرالدوله که از آغاز ریاست وزرایی خود خواستار خروج نیروهای بیگانه از کشور شده بود، در مقابل تقاضای انگلیس مبنی بر برکناری افسران سوئدی، برکناری مخبر السلطنه از حکومت فارس، جلوگیری از فعالیت جاسوسان آلمانی و پذیرش حضور نیروهای روسیه در خاک ایران مخالفت کرد. اما نیروهای روسیه به بهانه پیشروی قوای عثمانی از قزوین به سوی تهران حرکت کردند و مجلس نیز با پیرنیا همراه نشد و سفرای روس و انگلیس متفقاً خواهان برکناری وی شدند. در نتیجه، مشیرالدوله در چهارم اردیبهشت ۱۲۹۴ استعفا داد و عین الدوله مأمور تشکیل دولت شد. این چند ماه کوتاه نیز بر خوشنامی حسن مشیرالدوله افزود و از او چهره ای ضد استعماری و مدافع استقلال ایران به نمایش گذاشت که مخالف دخالت های روزافزون انگلیس و روسیه در امور داخلی ایران است. مشیرالدوله در دوران خطر جنگ جهانی اول که بخش زیادی از ایران به اشغال روسیه و انگلیس درآمده بود، از مخالفان تغییر پایتخت اشغال شده و ترک تهران توسط احمدشاه بود و بر استواری در استقلال ایران و لزوم خروج قوای بیگانه اصرار داشت.

قرارداد ۱۹۱۹ و تحت الحمایگی ایران

با وقوع انقلاب اکتبر و سرنوشتی امپراطوری تزاری و پایان جنگ جهانی اول، به نظر می رسید که ایران خواهد توانست استقلال خود را بازیابد و از شر دخالت قدرتهای استعماری خلاص شود. لنین رهبر انقلاب روسیه با صدور فرمانی کلیه قراردادهای استعماری میان ایران و روسیه را ملغی اعلام کرد و موجی از شغف را در میان ایرانیان برانگیخت. این اقدام روسیه بهانه بریتانیا برای دخالت در امور ایران برای رقابت با روسیه را نیز از بین می برد و لندن نیز قاعدتاً دیگر دستاویزی برای زیاده خواهی در زمینه امور داخلی ایران نداشت اما این خیالی خام بود که بریتانیا دست از دخالت در امور ایران بردارد چرا که بریتانیا به عنوان قدرت پیروز جنگ جهانی اول اکنون خود را حاکم بالامنابع جهان می پنداشت و در صدد بود با اقتدار بیشتری منافع خود را در ایران پیگیری کند؛ منافعی که در تضاد با استقلال ایران قرار می گرفت. در چنین شرایطی نیروهای انگلیس برای نخستین بار تا شمال ایران پیش رفته و در سرکوب شورش جنگل مشارکت کردند و از ایران برای کمک به روس های ارتش سفید مخالف انقلاب بلشویکی بهره بردند. در چنین شرایطی برخی از رجال و سیاستون انگلوفیل ایرانی نیز از نفوذ بریتانیا در ایران دفاع کرده و آن را ضامن پیشرفت و توسعه ایران برمی شمردند. در حالی که بی نظمی اغلب مناطق کشور را در برگرفته بود و نظم امور از هم پاشیده بود، بهره گیری از توان اداری یک قدرت بزرگ استعماری و سوسه ای بود که به جان برخی رجال افتاده بود و بریتانیا نیز مشتاقانه این میل را تقویت می کرد. بر همین اساس در ۱۷ مرداد ۱۲۹۸ برابر با نهم اوت ۱۹۱۹ قراردادی میان حسن وثوق الدوله و سیر پرسی ساکس، وزیر مختار بریتانیا در تهران امضا شد که بر اساس آن کلیه تشکیلات نظامی و مالی ایران تحت نظارت انگلیسی ها قرار می گرفت و امتیاز راه آهن و راه های شوسه ایران نیز به آنها واگذار می شد. سر دنیس رایت، دیپلمات بریتانیایی هدف قرارداد را «ترتیب و تدارک مساعدت بریتانیا به امر اعتلای پیشرفت و بهرزی ایران» دانسته است. در متن شش ماده ای قرارداد آمده بود: «نظر به روابط محکمه دوستی و مؤدت که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر به اعتقاد کامل به اینکه مسلماً منافع مشترکه و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام می نماید و نظر به لزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بعد اعلی بین دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان به نمایندگی از دولت خود از طرف دیگر، مواد ذیل مقرر می شود:

۱ در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران کرده است، تکرار می کند.

۲ دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل شود، به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد.

۳ دولت انگلستان به خرج دولت ایران صاحب منصبان، ذخایر و مهمات جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکل که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در دامنه سرحدات در نظر دارد، تهیه خواهد کرد.

۴ برای تهیه وسایل نقدی لازم به جهت اصلاحات مذکور در ماده دو و سه این قرارداد، دولت انگلیس حاضر است یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه یا ترتیب آن را دهد.

۵ دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تأمین و توسعه می باشد حاضر است با دولت ایران موافقت کرده و اقدامات مشترکه ایران و انگلیس راجع به تأمین حفظ راه آهن یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق کند.

۶ دولتین توافق می کنند در باب تعیین متخصصان برای تشکیل کمیته، که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدیدنظر کرده و با منافع حقه مملکت و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نماید. طبق این موارد در نظام آینده ایران وزیران ایرانی در هر وزارتخانه ای که بودند مستشاری بالای سر خود دارند که از اوامر او نمی توانند سرپیچی کنند و در صورت بروز اختلاف میان وزیر و مستشار به نحوی یکی از آنها باید کنار برود.»

این قرارداد ایران را به صورت کامل تحت الحمایه بریتانیا قرار می داد و دولت ایران موظف بود هزینه های این استعمار را نیز پرداخت کند. انتشار متن قرارداد که در ابتدا تلاش شد محرمانه باقی بماند، موجب خشم عمومی در ایران شد و وثوق الدوله که متهم به دریافت رشوه نیز شده بود، به یکی از بدنام ترین سیاستمداران ایرانی بدل شد. کالدول، سفیر ایالات متحده آمریکا در تهران در گزارش ۲۸ اوت ۱۹۱۹ خود به وزارت امور خارجه کشورش می نویسد: «احساسات همگانی که برای رویارویی با پیمان برانگیخته شده، همچنان بدون هرگونه دگرگونی بر جای مانده است. دیروز عصر، شماری از نمایندگان مجلس ووزیران پیشین و تنی چند از دیگر ایرانی ها ضمن دیدار با نخست وزیر مخالفت و اعتراض خود را نسبت به قرارداد به آگاهی اورساندند. تظاهرات خشم آلودی از سوی گروه های گوناگون مردم انجام گرفته و در برخی از مراکز استان ها نیز بازارها به نشانه اعتراض، تعطیل گشته است. بسیاری از ایرانی ها بر این باورند که پذیرش قرارداد به منزله پایان دادن به استقلال ایران خواهد بود.»

مشیرالدوله که یکی از رجال خوشنام و عضو مجلس شورای ملی بود، در صدر مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ قرار گرفت و در کنار میرزا جیحی امام جمعه خویی، ممتازالدوله، محمود افشار یزدی، حاج میرزا جیحی دولت آبادی، عبدالمستوفی، محمدعلی فروغی، مستوفی الممالک و بسیاری دیگر، نهضت ضد قرارداد را که منتهی به لغو قرارداد شد، راه انداختند. با اوج گیری اعتراضات احمدشاه قاجار که با علنی شدن قرارداد کشور را به مقصد اروپا ترک کرده بود، استعفا ی وثوق الدوله را پذیرفت و حسن مشیرالدوله مامور تشکیل دولت شد. مشیرالدوله که خود در صدر مخالفان قرارداد بود، مستشاران انگلیسی را که پیش از تصویب این قرارداد در مجلس شروع به کار کرده بودند، از کار عزل کرد و سرنوشت قرارداد را به تصمیم مجلس شورای ملی درباره آن منوط کرد؛ تصمیمی که از پیش روشن بود و منجر به لغو قرارداد شد. حسن مشیرالدوله که یک بار در مقام سفیر و وزیر امور خارجه علیه قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران میان روسیه و انگلیس ایستاده بود، بار دیگر در جریان قرارداد ۱۹۱۹ مقابل سیاست استعماری انگلیس ایستاد و موفق شد در کنار افکار عمومی و سایر رجال وطن دوست این قرارداد را نیز مانند قرارداد پیشین ملغی کند و به واسطه همین دو اقدام شایسته است او را قهرمان دفاع از استقلال ایران نامید. مشیرالدوله در عین حال هوادار نظم و قانون بود و شورش های شیخ محمد خیابانی و میرزا کوچک خان و ابوالقاسم لاهوتی را سرکوب کرد. او در عین حال تلاش کرد با شرکت های آمریکایی مذاکره کرده و آنان را به عنوان نیروی سوم وارد سیاست ایران کند تا بتواند از دخالت ها و نفوذ بریتانیا بکاهد. با ظهور سردار سپه و سپس آغاز سلطنت رضاشاه، حسن مشیرالدوله که حال به تأسی از جد عارف خود در نائین که پیرناینی لقب داشت و نام خانوادگی پیرنیا را برای خود برگزیده بود، خانه نشین شد و کار علمی و تحقیقاتی را در پیش گرفت و اثر سترگ ایران باستان و چندین کتاب مهم دیگر را تألیف کرد و در ۲۹ آبان ۱۳۱۲ در تهران درگذشت.



حسن پیرنیا نفر دوم از سمت راست

دیپلمات ها



پیام آمریکا به ایران

سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه اعلام کرد، اخیراً آمریکایی ها به واسطه یک هیئت از یکی از کشورهای عربی خلیج فارس پیامی برای حل فراگیر بحران منطقه ارسال کرده بودند. به گزارش ایسنا، حسین اکبری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در دمشق گفت، اگر ادعاهای آمریکا مبنی بر تلاش برای منع ترورها و اقدامات دیگر درست باشد این امر برای توقف خونریزی ها نیست، بلکه برای این است که رژیم صهیونیستی مرتکب حماقت نشود و دایره جنگ را گسترش ندهد و آمریکا و طرف های دیگر را وارد جنگ نکند. سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه در ادامه گفت: آمریکا هیئت هایی به ایران فرستاد و خواستار عدم گسترش دایره جنگ شد؛ تقریباً ۱۰ روز پیش پیامی از سوی یکی از کشورهای عربی خلیج فارس دریافت کردیم که هیئت خود را به تهران فرستاده بود و حامل پیام آمریکایی ها بود، آن ها در این پیام خواستار حل بحران تمام منطقه شده بودند. وی تأکید کرد: «پاسخ ایران این بود که هم پیمانان تهران حق تعیین سرنوشت خود و آزادی مردم و استقلال سیاسی خود را دارند و ما جایگزین آن ها در این امر نیستیم.»



مشکل حج عمره مفرده سیاسی نیست

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سوالی درباره پروازهای عمره مفرده گفت: «مقامات ذریعط ایران، هم مسئولان حج و زیارت و هم مسئولان وزارت راه و هواپیمای کشوری اطلاع رسانی کردند. این صرفاً یک مشکل تکنیکی و فنی بین دو طرف است و هیچ زیرساخت سیاسی در این وضعیت وجود ندارد.» وی اضافه کرد: «توافق ایران و عربستان برای انجام عمره مفرده عمره گزاران ایرانی الحمدالله با جزئیات و توافقی طرفین شکل گرفت. توافق برای انجام عمره عمره گزاران ایرانی است و طرف عربستان سعودی خودش را کاملاً متعهد می داند و وجود زیرساخت سیاسی در خصوص تأخیر پیش آمده برای عزیمت عمره گزاران ایرانی به عربستان را نفی می کنیم»، کنعانی ادامه داد: «گفت وگوها برای رفع مشکلات فنی در حال انجام است. رئیس سازمان حج و زیارت به همراه تیم کارشناسی ایران اکنون در عربستان به سر می برند و با مذاکرات انجام شده خوشبین هستیم که به زودی این مانع فنی و تکنیکی برطرف و شاهد آغاز پرواز شرکت های ایرانی به سمت عربستان باشیم.»



ساخت بمب اتم در ۳۴ روز

دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین و نامزد ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا در جریان سخنرانی در جمع حامیانش در آیووا، با تکرار ادعای خود وزیر سوال بردن ماهیت «صلح آمیز» برنامه هسته ای ایران، مدعی شد، تهران قادر است تا ظرف ۳۴ روز بمب اتمی بسازد. به گزارش مهر، رئیس جمهور سابق آمریکا همچنین با انتقاد از سیاست های بایدن در قبال جنگ اوکراین، مدعی شده است که می تواند ظرف ۲۴ ساعت به جنگ اوکراین پایان دهد. به گفته ترامپ، ناکارآمدی سیاست بایدن دقیقاً دلیل تداوم جنگ در اوکراین و خاورمیانه، روابط روبه وخامت چین با آمریکا بر سر مسئله تایوان است. وی در بخشی از سخنرانی اش مدعی شد: «علاوه بر این، ایران چند قدم تا ساخت بمب اتمی فاصله دارد. آنها ظرف ۳۴ روز بمب اتمی خودشان را می سازند.»